

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دگرمن احمد قندهاری

۳۰ مارچ ۲۰۲۱

دو زبان مروج قندهار (پشتو و فارسی)

در این مختصر مکثی بر فارسی زبانان قندهار خواهم نمود .

نسبت ناشناسی هموطنان از موجودیت جمعیت فارسی زبانان قندهار ، مدت ها به این فکر بودم تا چند سطرى جهت آگاهی پیشکش علاقه مندان بنمایم .

اگرچه در مورد این شهر باستانی و قدامت تاریخی و جغرافیای این سرزمین توسط نویسندگان و محققان محترم استادان تاریخ ، کتب و مقالات متعدد به نشر رسیده ، ولی این راقم من حیث یک قندهاری با نشر این چند سطر از یک جمعیت فراموش شده یادآور می نمایم .

شهر کهنه باستانی قندهار که توسط نادر افشار بعد از شکست شاه حسین هوتک تخریب و به یک خاکدان مبدل گردید، در دامنه های شرقی کوه قیتول (کوه سرپوزه) موقعیت داشت که از مانده های آن فهمیده می شود که دارای حصار به یک قلعه بزرگ و خندق دفاعی بوده و در مرکز شهر آثار مخروبه های ارگ شاهی و قصر نارنج تا هنوز دیده می شود .

جائی که در دوران طفولیت با پدر مرحومم که علاقه به باستان شناسی داشت، مگر با شغل زرگری و انتیک فروشی امرار معیشت می نمود در روز های جمعه آفتابی به میله می رفتیم و ما بچه ها علاقه مند بودیم که اول به تماشا و بالا شدن به چهل زینه برویم و بعداً هم از دامنه های کوه قیتول (محل اصلی شهر کهنه قندهار) به بالا شدن و کوه نوردی به قلعه بالائی محل که تندوره های بزرگ گلی (قیتول) دیده می شد کوشش می نمودیم ، در قسمت پایانی دامنه سنگی کوه یک چاه عمیق حفر شده که مردم محل و پدر مرحومم می گفت که این چاه در زمانهای قدیم از عمق به آب های محله جات وصل بوده ، عمق چاه آنقدر عمیق بود که اکثراً تماشاچیان توته سنگی را به داخل چاه پرتاب می کردند که صدای سقوط سنگ بعد از چندین ثانیه شنیده می شد و به استقامت بالائی دامنه کوه قیتول حوض های بسیار بزرگ دارای عمق الی چهار پنج متر جهت ذخیره آب باران از خشت و سارو (سمنت ترکیبی) اعمار گردیده و در یک حصه سمت جنوب این محوطه یک حوض سنگی بسیار عمیق دیده می شود که الی فصل تابستان پر از آب باران بوده و ما بچه ها در آن آب بازی می کردیم و بعداً برای لخشک خوردن به لخشک می رفتیم .

به یاد دارم که در سال ۱۳۳۷ ه ش آوازه شد که سنگ نبشته ای در دامنه کوه چهل زینه کشف شده و کسانی که علاقه مند بودند به تماشای این سنگ نبشته می رفتند که من هم به تماشای سنگ رفتم و عملاً این سنگ نبشته را تماشا نمودم ؛

سنگ سیاه بزرگی در سمت شرقی چهل زینه واقع بود و به نظر می رسید که به زبان های قدیم باستانی این شهر تاریخی حک شده بود . سنگ که در محل ورودی شهر کهنه قندهار در دروازه شهر (دروازه گندگان) کشف و نصب شده بود ، که توسط متخصصان باستان شناس از دوران آشوکا شناخته شد و گفتند که این یک آگاهی اندرز مانند برای مردم شهر بوده که در یک روز معین از خوردن بعضی از خوراک ها و ممنوعیت شکار پرند ها به زبان های یونانی و آرامی نبشته شده .

(طبق توضیحات گرامی یاد پوهاند استاد میرحسین شاه)

در قسمت پایانی کوه قیتول به اصطلاح مردم «لخشک» موقعیت دارد که متشکل از یک حصه دامنه سنگی کوه می باشد که درگذشت ادوار تاریخ توسط جریان آب باران آنقدر صاف و لشم شده که به محل تفریحگاه قابل دیدنی و بازی لخشک خوردن مبدل گردیده . قابل تذکر می دانم که در کنار سمت جنوبی این کوه یک خندق بسیار عمیق و طولانی توسط اردوی متعرض انگلیس در زمان جنگ میوند با محمد ایوب خان فاتح جنگ میوند ، حفر شده که اردوی انگلیس با استفاده از همین مجرا عقب نشینی و مانور نظامی نموده اند .

به گفته پروفیسور گرامی یاد «میرحسین شاه» استاد تاریخ ، تخریب شهر کهنه قندهار توسط نادر افشار خلاف رسم تاریخی بود و می فرمود در مقایسه به شاه محمود هوتک زمانی که شهر اصفهان را فتح نمود هیچ شهر و قصبه ای را در فارس آنروزی تخریب ننمود ؛ در خرابه های مسکونی آن شهر به پیمانه زیاد شکسته های (کچول ها) ظروف سفالی کاشی کاری دیده می شد که پیام دهنده تخریب بی رحمانه شهر بر شهریان آن را بازگو می نماید . از متن موضوع خارج نشوم لذا چند سطر فوق را مختصراً از سیمای ظاهری آن شهر باستانی از خاطراتم و میله جای های کوهی مردم شهر قندهار یادآور شدم .

بعد از تخریب شهر کهنه قندهار و به قدرت رسیدن احمد شاه ابدالی پلان تدوین و اعمار شهر جدید کنونی گرفته شد.

بنای شهر جدید (۱۷۴۷-۱۷۴۲) که در وصفش در تاریخ احمد شاهی به توصیف سروده شده :

دمی که شاه شهامتدار احمدشاه به استواری همت بنای شهر نهاد

جمال ملک خراسان شد این تازه بنا ز حادثات زماش خدا نگه دارد

شهر جدید قندهار در شرق شهر کهنه به فاصله پنج الی شش کیلو متر موقعیت دارد و حصار به قلعه بزرگ و مستحکم دفاعی دارای شش دروازه و خندق طویل و بزرگ دفاعی در پیشروی آن حفر شده بود ؛ و این قلعه بزرگ تاریخی به بهانه وسعت بخشیدن شهر به هدایت مقامات بالائی حکومت وقت توسط کمپنی موریسن تخریب شد که هم سن و سال های ما به یاد خواهند داشت .

این قلعه تاریخی در استقامت دروازه عیدگاه و دروازه بردرانی و یا حضرت جی بابا ساختمان دیوار قلعه و برج های دفاعی از گل سرخ منظره خاص جلال تاریخی معماری شهر را نمایندگی می نمود .

داخل شهر دارای چهار بازار که مشتمل است به بازار شاه ، بازار کابل ، بازار هرات و بازار شکارپور که در بین مردم به چهار بازار احمدشاهی مشهور بوده و در کنار آن دو بازار فرعی به نامهای لندی بازار و بازار توپخانه موقعیت دارد .

در وسط هر چهار بازار احمدشاهی در کنار پیاده رو یک چاه آب سرد حفر شده بود که دارای سکوی سنگی و یک مخزن ذخیره آب جهت توزیع آب به عابران توسط تاس های سفید مسی بسته به زنجیر ترتیب داده شده بود که توسط یک نفر (سقاء) موظف اداره می شد .

و چهارسو (چهار سوق) مرکز تقاطع چهار بازار می باشد که قبلاً ساختمان تاریخی داشت و توسط محمد عثمان خان والی شهر به بهانه بازسازی شهر تخریب گردید نظر به گفته محاسن سفیدان قندهاری چهارسو دارای بنای سرپوشیده و رنگ آمیزی شده با گچ کاری منقش از شاهکاری های معماری آن زمان بود که هم دوره های هم نسل ما به یاد نداریم، اما به یاد دارم که به دو طرف سرک داخل بازار جوی های آب شفاف جاری بود که از سه نهری که از داخل شهر عبور می نمود (جوی پات آب ، جوی دیخواجه و جوی شاه خارج از قلعه) سرچشمه می گرفت و به کنار این جویچه ها درخت های توت ، بید و بنوش شهر را سرسبز و خوشگوار می نمود ؛ و همچنین بازار ها همه روزه توسط موظفین بلدیه از همین جویچه ها آب پاشی می گردید به غرض ممانعت از گرد و خاک و سرد شدن محیط .

ساکنان شهر که از اقوام مختلف متشکل بوده برای هر قوم یک محله مشخص و تعیین محل شده، که به طور مشخص عبارت اند از محله یا کوچه سدوزائی ها که حرم سرای مسکونی احمد شاه ابدالی در آن موقعیت دارد ، محله علیزائی ها، محله بامیزائی ها ، محله کاکری ها و از جمله پارسی زبانان و هندو ها در مرکز شهر مسکن گزین هستند .

از آنجائی که احمدخان ابدالی به غرض مدرنیزه نمودن دربار و رونق کسب و کار بازار یک عده دبیران و نویسندگان ، اهل کسبه و معماران را از فارس آنروزی (ایران امروزی) و هند به شهر نو ساخت قندهار منتقل نمود .

به علاوه فارسی زبانان جدیدالورود به شهر جدید، در بدویت تاریخی در بین ساکنین باستانی شهر کهنه قندهار و نواحی آن اقوام بومی فارسی زبانان هم زیست داشتند و هستند که زبان مادری آنها فارسی بوده و در بین اهالی شهر (پشتون ها) به فارسی زبانان مسمی هستند .

محل زیست اکثریت اینها در منطقه توپخانه (ناحیه اول شهر) می باشد و تاکنون مسکن گزین هستند .

طوری که از نام توپخانه پیدا است و در کنار آن یک محله به نام باروت خانه و یک محل در کنار جوی ده خواجه به نام کارخانه توپ ها که طبق اسناد تاریخی شمشیر و توپ سازی بوده ، دلالت بر آن می کند که در زمان احمد شاه ابدالی یک منطقه صنعتی حربی و یا هم پایگاه نظامی امپراتوری احمدشاه بابا بوده .

محلات مسکونی و بودوباش جمعیت فارسی زبانان داخل شهر قندهار قرار ذیل می باشد :

حد اکثر منطقه بازار توپخانه محل سکونت پارسی زبانان می باشد ، به غیر از کوچه بابری ها و نواحی قبر شاه (مقبره تاریخی احمد شاه ابدالی) که مربوط به قندهاری های پشتون می باشند ، متباقی این ناحیه مربوط به سکونت فارسی زبانان و هزاره ها که از مناطق نواحی ارزگان کوچیده اند می باشد و یک کوچه در بازار توپخانه به نام کشمیری ها می باشد که ساکنین آن مختلط هستند .

همچنین اکثریت پارسی زبانان در بین بازار هرات الی توپخانه شامل کوچه علیزائی، کوچه شیرعلی خان، طویله شاهی و کوچه نقاره خانه متصل به کوچه سدوزائی ها و همچنین در غرب بازار شاه در گنج کهنه و یا هم بازار گنج به طور پراکنده داخل شهر زیست می نمایند که حدس زده می توانیم که ۳۰٪ باشندگان شهر مرکزی قندهار فارسی زبانان هستند .

جمعیت هندو ها که به شغل تجارت و بزازی (تکه فروشی) ، شیرینی پزی و مبادله ارز پولی مشغولیت داشتند ، محل بودوباش این اقلیت در مرکز شهر در شروع بازار کابل و بازار شکارپور بود که اکنون از این قوم شریف صلح سرشت به اثر جنگ های نیابتی و سلطه تنظیمی ها اثری باقی نمانده و همه کوچیده و مانند سایر هموطنان مهاجر هستند.

پارسی زبانان که متشکل از اقوام مختلف عبارت از بلوچ ها، تاجک ها، هزاره ها و... هستند دارای مشاغل فنی ذیل می باشند ؛ زرگری ، مسگری ، آهنگری ، تابه سازی ، حلبی سازی ، چاقوسازی و به اصطلاح مردم محل چوات

(چیلی) دوزی ، بوت دوزی ، باروت و تفنگ سازی توأم با آتش بازی سازی ، علاقه بندی ، ریخته گری ، قنادی ، (در مجموع اهل کسبه) و از جمله تنها فن کلالی، جوتی و بوت دوزی (مچن دوزی) فالوده پزی مشخصه پشتون ها بوده .

در بین جمعیت فارسی زبانان حتی شغل های حرفه ئی منسوب به یک خانواده بود که می توان از فامیل باروت ساز ها که در ایام جشن استقلال همه مواد آتش بازی در انحصار این فامیل بود و یا فامیل علاقه بند ها و در کنار مشاغل حرفه ئی و خصوصی به پیشه تجارت و دکانداری در بازار شغلی با همشهریان برادر پشتون مختلط و مشترکاً فعالیت دارند .

در کسب و کار یومی زبان پشتو و پارسی ، زبان های برادر و مورد استعمال مکالمه بوده و تفاوتی برای باشندگان قندهاری نداشت و ندارد که بدون اختلاف قومی و مذهبی برادر وار زیست باهمی داشتند و دارند ؛ به دور از روشنفکران و ملا های متعصب و مزدور که نفاق اندازی وظیفه شان می باشد .

بعضی فامیل های فارسی زبانان در محل منسوب به میرزا خیل بودند که تا زمانهای نچندان دور در دفاتر حکومتی اکثراً دبیران و کارکنان دربار مشخصه فارسی زبانان بود و در هر زمینه مشاغل دولتی حصة داشتند .

به طور تخمینی می توان محاسبه نمود که الی سی درصد (۳۰ %) از باشندگان قندهار به زبان فارسی تکلم می نمایند و زبان مادری آنها فارسی می باشد ولی زبان دومی پشتو بوده که مروج اهالی شهر است .

در اطراف و نواحی شهر قندهار مردم بومی روستاها که زبان مادری شان فارسی می باشد می توان از قراء گندگان ، زلخان ، ولکان ، در محله جات ها دیماسوس ، چهار دیوار ، مرغان ، چهار دانه ، و... نام برد که از زمره مردم بومی فارسی زبان در نواحی شهر باستانی قندهار می باشند و همه شغل دهقانی دارند .

به استناد مطالعات تاریخی حدس زده می شود که الی سلطه امپراتوری غزنویان در این خطه سرسبز و حاصلخیز «خراسان زمین» زبان فارسی دری مروج عامیانه بوده و مشاهده می گردد که نامگذاری مناطق و نواحی شهر به زبان فارسی دری مسمی می باشد طور مثال :

می توان از پنج نواحی ، سپیدروان ، صالحان ، تلوکان ، ارغنداب ، حوض مدد ، محله جات ، بالا کرز ، دهه باغ ، کلچه آباد و... ، بر مصداق موضوع نام برد .

متأسفانه که با آمدن پای استعمار و به قدرت رسیدن تنظیمی های جهادی این شیرازه پیوند با همی و برادری قومی از هم گسست . اختلافات قومی ، زبانی و مذهبی به ویژه با نشر سم پاشی نشنلیزم توأم با لیبرالیزم کور استعماری توسط رسانه های بصری و سمعی روز به روز بغرنجتر سیر صعودی می پیماید .

در نتیجه کودتای خونین هفت ثور و اشغال مهین عزیز توسط قوای سرخ سوسیال امپریالیزم الی شش میلیون افغان مهاجر و آواره کشور های همسایه و غربی شدند و این زمان مهاجرت برای افغان ها آنقدر زمانگیر شد که تاکنون ادامه دارد .

فرزندان مهاجرت که در برگرفته یک نسل جوان می باشند از زبان مادر و زبان مروجه محیطی مادر وطن بیگانه شدند که بعضی احمق های خودکامه منتقدان این نسل جوان هستند ؛ دردآور آنجا است که فرزندان جمعیت فارسی زبانان قندهاری که در مهاجرت تولد و رشد و نمو نموده اند به زبان پشتو بلدیت ندارند و زمانی که جهت اخذ پاسپورت و تذکره نفوس به نمایندگی های مربوطه خارج از کشور مراجعه می نمایند، از ایشان تقاضا می نمایند که به زبان پشتو مکالمه نمایند که آنها بلدیت ندارند بناءً به مشکلات زیاد مواجه می گردند ، تا سرحد محروم شدن از اخذ پاسپورت و توهین های غیر قابل تحمل ؛ چون در مورد باشندگان فارسی زبان قندهار آگاهی ندارند و هموطنان غیر قندهاری ما فکر می کنند که همه قندهاری ها پشتو زبان می باشند .

در تخریب فرهنگ و زبان مداخلات فرهنگی و مذهبی کشور های همسایه توأم به مهاجرت های طولانی و دسته جمعی نقش عمده را ایفاء نموده و می نمایند .

فارسی زبانان قندهاری که از جمله شیعه مذهبان افغانستان می باشند در قدم نخست به کشور همسایه ایران مهاجرت نمودند و همچنین کشور پاکستان که اکثراً در کوئته بلوچستان مهاجر بودند و تا اکنون هستند .

از جمله تبلیغات اسلام سیاسی (شیعه) رژیم مذهبی ایران بر افکار و فرهنگ غیر اسلام سیاسی مردم شیعه مذهبان افغانستان و فارسی زبانان قندهار بی تأثیر نبوده ، و موجب از خود بیگانگی گردیده که این ویروس صادر شده شیرازه زیست باهمی و اتحاد را در بین توده های مردم خدشه دار می نماید که باید علیه این ویروس کشنده مبارزه نمود.

مگر به علاوه همه این مداخلات فرهنگی و مذهبی کشور های همسایه و تنگ نظران داخلی مردم عام بدون در نظر داشت قوم ، زبان و مذهب در کاروبار یومی بازار و زندگی شهری برادروار زیست دارند که نمایانگری از وحدت و همبستگی توده ها می باشد .

روشنفکران برومند فارسی زبانان و هندو ها بدون در نظر داشت زبان ، مذهب و قوم متحدانه در یک صف واحد با پشتو زبانان علیه استبداد و استعمار درفش مبارزه آزادی خواهانه و عدالت اجتماعی را به پیش کشیدند و هم رزم هستند.

در جنگ مقاومت علیه اشغالگران روسی متحدانه جنگیدند و بعد از سقوط حکومت نجیب سلاح به زمین گذاشتند . روز های خوب و آرام بخش پر از صمیمیت و برادری رفاقت های بی آلابش ؛ کلمه تو کی هستی و من کی هستم اصلاً مطرح نبود.

پایدار باد وحدت و همبستگی توده های میلیونی .

به ارتباط همبستگی مردمی قندهار یک خاطره ام را با خوانندگان شریک می نمایم .

در سال ۲۰۱۶ م گرامی یاد معلم صاحب غلام محمد خان بدرود حیات نمود . این معلم شرافتمند که با مردمش سوگند خدمت و وفاداری ادا نموده بود الی آخرین رمق حیات در تعلیم و تربیه فرزندان هموطنش لحظه ای غفلت ننمود و ترک وطن نکرد حتی در زمان طالبان با همه خطرات جانی مکتب خصوصی تأسیس نمود و به تعلیم و تربیه فرزندان وطن سعی به خرج داد .

گرامی یاد معلم غلام محمد خان که از جمعیت فارسی زبانان بود به نسبت خدمت صادقانه اش محبوب قلب های جوانان قندهاری بود که در مراسم تشییع جنازه و خاکسپاری وی به هزاران جوان از اهالی شهر اشتراک نمودند و همه متأثر از این ضایعه بزرگ بودند و قابل یادآوری می دانم که ۷۰٪ از اشتراک کنندگان جوانان برومند و معلمان محترم پشتون بودند این راقم که یکی از اشتراک کنندگان بودم ، حقیقتاً از این همبستگی امید بخش بر خود می بالیدم و به یاد گذشته های چهار - پنج دهه افتادم .

این بود مختصری از سیمای تاریخی و ساخت قومی و زبانی شهر قندهار زادگاهم .

۱۴۰۰ مطابق ۳/۲۸/۲۰۲۱ حمل ۸